

دکتر حسین لطف‌آبادی^۱

معرفی یک پژوهش وسیع ملی روی نمونه ۷۵ هزار نفری جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله ایران

پژوهش در وضعیت و نگرش و مسائل جوانان ایران

○ مقدمه

پژوهش‌های راهبردی و کاربردی علوم رفتاری در ایران، از آغاز پیدایش آنها در دانشگاه‌های کشور، آن‌گونه که باید، از انسجام و استحکام و همه‌جانبه‌نگری دینی، انسانی و علمی برخوردار نبوده است. این تحقیقات در طول نیم قرن، از زمان تأسیس دانشگاه تهران به بعد تا پیش از انقلاب اسلامی، غالباً نسخه برداری از برخی پژوهش‌های غربیان بود. در دو دهه اول انقلاب نیز پژوهش‌های علوم رفتاری، هر چند عموماً با نیت تحقق اصالت‌های دینی و ملی ما انجام می‌گرفت و در صدد بود تا از تقلید بی‌چون و چرای تحقیقات غربی فاصله بگیرد، اما عموماً به دلیل ضعف‌های علمی - از جمله: عدم اتکاء به تئوری، نگرش غیرراهبردی، ضعف نوآوری، کم‌اعتنایی به معیارهای علمی و پژوهشی، فقدان مراکز معتبر علمی و پژوهشی که ناظر بر فعالیت‌های تحقیقاتی علوم رفتاری در کشور باشند، و نیز در مواردی به دلیل سطحی‌نگری و سیاست‌زدگی، نتوانست به سطحی از پیشرفتگی در شناخت وضعیت و مسائل انسانی برسد که دانش‌های محکم و قابل اطمینانی را در شناخت علمی واقعیت‌های زندگی روانی - اجتماعی مردم ایران برای برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی فرهنگی و اجتماعی در کشور فراهم آورد.

^۱ - دبیر شورای علمی - پژوهشی سازمان ملی جوانان و مجری طرح پژوهشی وضعیت و نگرش و مسائل جوانان ایران

سازمان ملی جوانان، به سبب وظیفه قانونی خود در شناخت نسل جوان و مسائل آنان، می‌باید بر دشواریهای موجود برای دستیابی به دانش مطمئن در حوزه فوق‌العاده مهم و راهبردی «جوان شناسی علمی» غلبه می‌کرد و به همین جهت، به ویژه از سه سال پیش، تلاشی بی‌وقفه را در حوزه مطالعه، تحقیق، و سنجش وضعیت و نگرش و مسائل جوانان ایران دنبال نمود. حاصل این تلاشها، دستاوردهای پژوهشی گوناگونی است که مستمراً در اختیار مسؤولان، برنامه‌ریزان، کارشناسان، و دانشگاهیان قرار گرفته است.

وضعیت و نگرش و مسائل جوانان کشور، موضوع متمرکز و مورد توجه دوست و دشمن و مسأله اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران است. شناخت دقیق و علمی این پدیده سرنوشت ساز اسلام و ایران، یک وظیفه حیاتی برای تداوم انقلاب و بقاء و اعتلای کشور و ملت و نیاز رشد و توسعه جامعه و احتیاج مبرم اداره‌کنندگان مملکت است.

برای پاسخگویی به چنین نیاز مبرمی است که ما در سازمان ملی جوانان، در ادامه تحقیقات پیشین خود، در سال ۱۳۸۱ نیز به طراحی و اجرای یک پژوهش گسترده و همه جانبه ملی در مورد جمعیت عظیم ۲۲ میلیون جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله کشور پرداخته و سعی کرده‌ایم تمامی ابعاد وضعیت و نگرش و مسائل پسران و دختران، محصل و غیر محصل، شاغل و غیرشاغل، متأهل و مجرد، سرباز و غیرسرباز، محروم و غیرمحروم، شهری و روستایی، از این یا آن استان و مرکز استان، فارس و ترک و کرد و غیره، شیعی و سنی و اهل سایر ادیان، و مقوله‌های مهم دیگری از این قبیل را مورد شناسایی علمی قرار دهیم. حاصل این پژوهش فراگیر ملی، انتشار چندین مجموعه گزارش پژوهشی است که در شش ماهه اخیر در ده جلد (مشمول بر هفت هزار صفحه) انتشار یافته و چندین جلد دیگر آن نیز در دست انتشار است. تا این تاریخ که اولین شماره فصلنامه (در بهار ۱۳۸۲) انتشار می‌یابد، پنج کتاب (مشمول بر ۱۰ جلد) از گزارشهای این تحقیق انتشار یافته است که عبارتند از:

وضعیت و نگرش و مسائل جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله مراکز استانهای کشور، دی‌ماه ۱۳۸۱

وضعیت و نگرش و مسائل جوانان استان تهران، جلد اول و دوم، بهمن‌ماه ۱۳۸۱

وضعیت و نگرش و مسائل جوانان استان اصفهان، جلد اول و دوم اسفندماه ۱۳۸۱

وضعیت و نگرش و مسائل جوانان استان قم، جلد اول و دوم، فروردین‌ماه ۱۳۸۲

وضعیت و نگرش و مسائل جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله کل کشور، جلد اول و دوم و سوم، خردادماه ۱۳۸۲

گزارش حاضر، فشرده‌ای از بخش مقدماتی یکی از مجموعه گزارشهای تفصیلی حاصل از این پژوهش درباره وضعیت و نگرش و مسائل جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله سراسر ایران است که بخشی از آن در این شماره و بخش دیگر در شماره آینده فصلنامه به نظر خوانندگان محترم می‌رسد.

نمونه آماری مبتنی بر متغیرهای مورد مطالعه در این پژوهش، شامل ۷۵ هزار و ۳۰۱ نفر و معرف جمعیت عظیم جوانان کشور است. این پژوهش، هم از نظر کیفی و هم به لحاظ کمی، در شمار تحقیقاتی است که نه تنها در کشور ما بلکه در سایر کشورهای جهان نیز، از نظر بنیادهای علمی و انسانی و وسعت حوزه‌های پژوهش

و فراگیری نمونه‌ای که معرف وضعیت و نگرش و مسائل جمعیت بزرگ جوانان است، نظیر و ماندنی ندارد. به جرأت می‌توانیم بگوییم که مجموعه گزارشهای این پژوهش، اسناد علمی محکمی است که حاکی از وضعیت و نگرش و مسائل واقعی جوانان کشور است و می‌تواند مبنای برنامه‌ریزیها و تصمیم‌گیریها برای حل مسائل جوانان باشد.

پرسشنامه این تحقیق شامل ۶۷ سؤال از وضعیت جوانان و ۵۴۵ سؤال از نگرش و مسائل جوانان (شامل ۱۱ موضوع اساسی در زندگی آنان و ۱۲۲ خرده مقیاس مشتمل بر ابعاد مختلف موضوعات مذکور) بوده است و توسط هزار و هشتصد پرسشگر آموزش دیده در سراسر ایران، اعم از شهرها و روستاهای دور و نزدیک و کوچک و بزرگ کشور، اجرا شده است. حجم مسائل مورد مطالعه در این تحقیق به حدی است که اگر تعداد متغیرهای منفرد و ترکیبی و خرده‌مقیاسهای تحقیق را به عنوان متغیرهای تحقیق به حساب آوریم، تعداد کل متغیرها به ۷۵۰ بالغ می‌شود که در برگیرنده مهمترین مسائل جوانان است.

بر خلاف پژوهشهای دیگری که در سطح ملی انجام گرفته (که یا منحصر و محدود به معدودی از مسائل جوانان بوده و یا عموماً در تحلیلهای خود از سطح آمارهای توصیفی فراتر نرفته است)، ما در پژوهش خود، نه تنها اهم امور جوانان را در گستره ۷۵۰ متغیری مورد مطالعه و بررسی قرار داده‌ایم، بلکه پردازش و تحلیل اطلاعات و تدوین گزارشهای خود را نیز در سه سطح توصیفی و استنباطی و علی ارائه کرده و سنجش وضعیت و نگرش و مسائل انسانی در کشور را یک گام بزرگ و اساسی به پیش برده‌ایم. واقعیت این است که مسائلی که پیچیدگی مسائل مورد مطالعه در این تحقیق را نمی‌توان با پژوهشهایی که در سطح آمارهای توصیفی متوقف می‌مانند، مورد تحلیل و تبیین و راه‌گشایی قرار داد و از آنجا که تصمیم‌گیری بر اساس یافته‌های توصیفی می‌تواند مخاطره‌آفرین باشد، این سطوح پیشرفته استنباطی در تحلیلهای آماری ما، بخصوص از نظر دریافتهای راهبردی و تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری برنامه‌ریزان و مسئولان در میدان عمل و اداره امور جوانان و نهادهای مرتبط با آنان، حائز اهمیت اساسی است.

این آمارها شامل مجموعه وسیعی از متغیرهای وضعیت فردی، خانوادگی، تحصیلی، شغلی، وضعیت پول توجیبی و درآمد، وضعیت اقتصادی، فرهنگی، دینی، قومی و حتی انواع آرزوها و الگوهای پسران و دختران، و سطح دقت هوشی جوانان سراسر ایران است. علاوه بر این، ۱۲۲ جنبه مختلف موضوعهای مرتبط با خانواده جوانان، هویت و شخصیت، سلامت روانی، دوستان و اوقات فراغت، مدرسه و آموزش و پرورش، دانشگاه و آموزش عالی، نگرش تحصیلی و شغلی، رسانه‌های جمعی، حکومت و سیاست، نهادهای مذهبی، و جهان غرب و فرهنگ غرب، مورد تحلیلهای آماری استنباطی پیشرفته (از نوع تحلیل واریانس، مقایسه میانگینها و تحلیل رگرسیون) قرار گرفته‌اند.

□ برخی از یافته‌ها و پیشنهادها عبارتند از:

در این بخش از مقاله، خلاصه بسیار فشرده‌ای از یافته‌های مقدماتی پژوهشی در مورد جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله مراکز استانهای کشور را به نظر خوانندگان محترم می‌رسانیم. در یک مقاله دیگر از شماره بعدی فصلنامه برخی دیگر از یافته‌های پژوهشی حاصل از این تحقیق را در اختیار خوانندگان محترم قرار خواهیم داد. مسلماً محققان و دست‌اندرکاران و علاقه‌مندان به امور جوانان می‌توانند به گزارشهای پژوهشی منتشرشده سازمان ملی جوانان مراجعه نمایند.

از آنجا که این گزارش اساساً خلاصه بسیار فشرده‌ای از یک پژوهش عظیم ملی است، تلخیص مجدد آن، باعث نادیده گرفته شدن بخش بزرگی از اطلاعات و تحلیلها خواهد شد اما در شرایطی که ناچاریم چنین خلاصه‌ای را نیز ارائه کنیم می‌توانیم به موارد زیر اشاره نماییم و خواننده محترم را به مطالعه دقیق تمام گزارش، که برای تمام مراکز مهم علمی و کتابخانه‌های بزرگ دانشگاهی و غیردانشگاهی کشور ارسال شده است، دعوت کنیم.

۱- از کل جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله مراکز استانهای کشور، اکثریت بزرگی را مجردها (که درصد پسران مجرد ده درصد بیشتر از دختران مجرد نیز هست) و اقلیتی را متأهلین تشکیل می‌دهند. بدیهی است که این خیل عظیم جوانان مجرد مشکلات و مسأله‌آفرینی‌های خاص خود را دارند.

۲- اشتغال به کار جوانان مراکز استانهای کشور به صورتی است که، جدا از کسانی که تحصیل می‌کنند یا در خدمت سربازی و امثال آن هستند، فقط درصد بسیار کمتری از نوجوانان و جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله مراکز استانهای کشور شاغل هستند (که گروه بسیار کوچکی از آنان را دختران تشکیل می‌دهند). مشکل اشتغال به کار خانمها در نسل پیش نیز دیده می‌شود. آمارهای ما نشان می‌دهد که ۸۳ درصد از کل مادران نوجوانان و جوانان مورد مطالعه ما خانه‌دار هستند که این امر در جهان کنونی که همگان باید در تولید و خدمات اجتماعی نقش خود را کاملاً ایفا نمایند نامطلوب است.

۳- وضعیت اقتصادی جوانان کاملاً نامناسب است. هم درآمد خانواده‌های جوانان غیرشاغل، هم درآمد جوانان شاغل، و هم توجیبی ماهانه جوانان غیرشاغل بسیار کم است.

درآمد ماهانه ۷۳ درصد از خانواده‌های جوانان، یکصد و پنجاه هزار تومان و کمتر است. کاملاً روشن است که این درآمد بسیار اندک است. مسلماً جوانانی که خانواده‌هایشان چنین درآمدی دارند دچار کمبودهای بزرگ اقتصادی و اجتماعی هستند خانواده‌های سایر جوانان نیز، عموماً درآمد بسیار بالایی ندارند. درآمد ۱۷ درصد از خانواده‌های آنان در فاصله ۱۵۰ تا ۳۰۰ هزار تومان در ماه است و فقط ۶ درصد جوانان هستند که درآمد خانواده‌هایشان را بیش از ۳۰۰ هزار تومان در ماه گزارش کرده‌اند

درآمد تقریبی ماهانه جوانان شاغل، آن‌گونه که خود آنان اظهار داشته‌اند، به شرح زیر است:

پسران جوان شاغل:	میانگین درآمد ماهانه ۵۵ هزار تومان
دختران جوان شاغل:	میانگین درآمد ماهانه ۵۰ هزار تومان
مردان جوان متأهل و شاغل:	میانگین درآمد ماهانه ۹۲ هزار تومان

زنان جوان متأهل و شاغل: میانگین درآمد ماهانه ۸۵ هزار تومان

آمارهای فوق کمک می‌کند که مسائل معیشت جوانان شاغلی را که درس نیز نمی‌خوانند بهتر درک کنیم. درآمدهای مذکور، خاصه برای زندگی در شهرهای بزرگ، به هیچ‌وجه کفایت حداقل زندگی جوانان را نمی‌کند. در مورد توجیبی ماهانه جوانان غیرشاغل، اولاً ۲۲ درصد از جوانان، به هر دلیلی، نخواسته‌اند که به سؤال مربوط به پول توجیبی ماهانه‌شان جواب بدهند ثانیاً این توجیبی در مورد ۷۸ درصد بقیه وضعیت زیر را دارد. اگر خودمان را، برای یک لحظه، به جای جوانان بگذاریم وضعیت آنان را بهتر می‌توانیم درک کنیم:

بدون توجیبی ماهانه	۱۵ درصد
هزار تومان و کمتر	۱۷ درصد
هزار تا ۳ هزار تومان	۱۶ درصد
۳ هزار تا ۵ هزار تومان	۱۳ درصد
۵ هزار تا ۱۰ هزار تومان	۸ درصد
بیشتر از ۱۰ هزار تومان	۹ درصد

مجموع بررسیهای ما نشان می‌دهد که وضع اقتصادی جوانان مراکز استانهای کشور، روی هم رفته، بسیار نامناسب است و اگر معیارهای پیشرفته جهانی را در نظر بگیریم فقط ۱۰ درصد از جوانان در وضعیت اقتصادی مناسبی به سر می‌برند.

۴- وضعیت فرهنگی جوانان را با توجه به سطح تحصیلی جوانان مشغول به تحصیل، آخرین مدرک تحصیلی جوانان غیرمشغول به تحصیل، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، امکانات فرهنگی در خانه، و تعداد کتابهای غیردرسی در خانه معین کرده‌ایم. بررسیهای ما نشان می‌دهد که در مجموع ۵۳/۱ درصد از پسران و ۵۵/۶ درصد از دختران مشغول به تحصیل هستند. رقم دانش‌آموزان در مدارس عادی ۶۷/۵ درصد، در مدارس غیرانتفاعی ۱۲/۸ درصد، در هنرستانها ۱۱/۴ درصد، در مدارس نمونه مردمی ۶/۳ درصد، و در مدارس تیزهوشان ۲ درصد است. رقم دانشجویان مراکز آموزش عالی کشور در دانشگاههای اصلی سراسری ۳۱/۶ درصد، در دانشگاه پیام نور ۱۴/۸ درصد، در دانشگاه آزاد ۴۴ درصد، در مراکز آموزش عالی وابسته به سازمانهای دولتی ۵ درصد، و در دانشگاههای غیرانتفاعی ۲ درصد و در تربیت معلم ۱/۴ درصد است. اگر بخواهیم این ارقام را به تفکیک جنسیت نیز ارائه کنیم خواهیم دید که: از ۳۱/۶ درصد دانشجویان دانشگاههای سراسری، ۱۵/۸ درصد پسر و ۱۵/۸ درصد دخترند. از ۱۴/۸ درصد دانشجویان دانشگاه پیام نور، ۵ درصد پسر و ۹/۸ درصد دخترند. از ۴۴ درصد دانشجویان دانشگاه آزاد، ۲۳/۵ درصد پسر و ۲۰/۵ درصد دخترند. و از ۹/۶ درصد سایر دانشجویان، ۵/۳ درصد پسر و ۴/۳ درصد دخترند. از نظر تعداد کتابهای غیردرسی که جوانان مراکز استانهای کشور در خانه خود در دسترس دارند، ۴۷ درصد از جوانان به ۱۰ جلد کتاب غیردرسی یا کمتر در خانه خود دسترسی دارند ۲۳ درصد از آنان به ۱۱ تا ۲۵ جلد کتاب

دسترسی دارند ۱۲ درصد به ۲۶ تا ۵۰ جلد ۷ درصد به ۵۱ تا ۱۰۰ جلد و فقط ۷ درصد آنان به ۱۰۱ جلد و بیشتر دسترسی دارند.

مجموع بررسیهای ما نشان می‌دهد که اکثریت جوانان با رقم ۷۷/۷ درصدی در وضعیت فرهنگی پایین و نسبتاً پایین به سر می‌برند. برای جامعه ما که اکثریت آن را جوانان تشکیل می‌دهند، پایین بودن سطح فرهنگی سه چهارم آنان در واقع یک کمبود جدی به شمار می‌رود.

۵- سنجش میزان دقت هوشی جوانان ایران کاری است که تا کنون در کشور ما انجام نشده است. برای جبران این امر، ما در پژوهش خود یک آزمون استاندارد شده را برای برآورد میزان دقت هوشی عمومی نوجوانان و جوانان به کار گرفته‌ایم.

در بررسیهای ما، میزان دقت هوشی جوانان (با میانگین ۱۰۰ و انحراف معیار ۱۵، که به چهار درجه استاندارد هوشی تفکیک شده است) چنین است: ۱۱/۹ درصد دارای نمره ۴ (بالاترین سطح دقت هوش در مقیاس چهار نمره‌ای) هستند، ۴۲/۳ درصد نمره ۳ گرفته‌اند، ۲۷ درصد نمره ۲ دارند، و ۱۷/۸ درصد نمره ۱ (سطح پایین دقت هوشی در مقیاس چهار نمره‌ای) به دست آورده‌اند.

بررسیهای ما از توزیع مدرسه‌ای جوانانی که سطح دقت هوشی متفاوتی دارند حاکی از آن است که، با آنکه تعداد جوانان تیزهوش در مدارس تیزهوشان بیش از سایر مدارس است (۷۹/۹ درصد)، اما جالب توجه است که می‌بینیم تعدادی از جوانانی هم که از دقت هوشی زیادی برخوردار نیستند (۲۰/۱ درصد) در این مدارس تحصیل می‌کنند. پس از آن، تعداد جوانانی که از دقت هوشی بالایی برخوردارند بیش از همه در مدارس غیرانتفاعی و هنرستان (به ترتیب با ارقام ۶۰/۹ و ۵۶/۹ درصد) به چشم می‌خورند.

در مورد توزیع دانشگاهی جوانان با سطوح مختلف دقت هوشی بررسیهای ما نشان می‌دهد که تعداد جوانان با دقت هوشی بالا به ترتیب در دانشگاههای دولتی سراسری، دانشگاه آزاد، و دانشگاه پیام نور با ارقام ۷۳/۴، ۷/۶۸، ۶۶/۷ بیش از سایر مراکز آموزش عالی دیده می‌شوند.

تعداد جوانان با دقت هوشی کمتر، بیش از همه جا در تربیت معلم با رقم ۴۸/۶ درصد یافت می‌شود، این مسأله، با توجه به آنکه سرنوشت اصلی کودکان و نوجوانان کشور به دست معلمان تعیین می‌شود، جای تأمل دارد.

۶- در این پژوهش، سنجش وضعیت اوقات فراغت جوانان را نیز مورد بررسی قرار داده‌ایم که به منظور اجتناب از اطاله کلام از توضیح آن خودداری می‌کنیم.

۱- قومیت جوانان در پژوهش ما مورد توجه واقع شده و تفاوت‌های جوانان فارس، ترک، ترکمن، کرد، لر، طالش، بلوچ، و عرب را نیز، مورد بررسی قرار داده‌ایم.

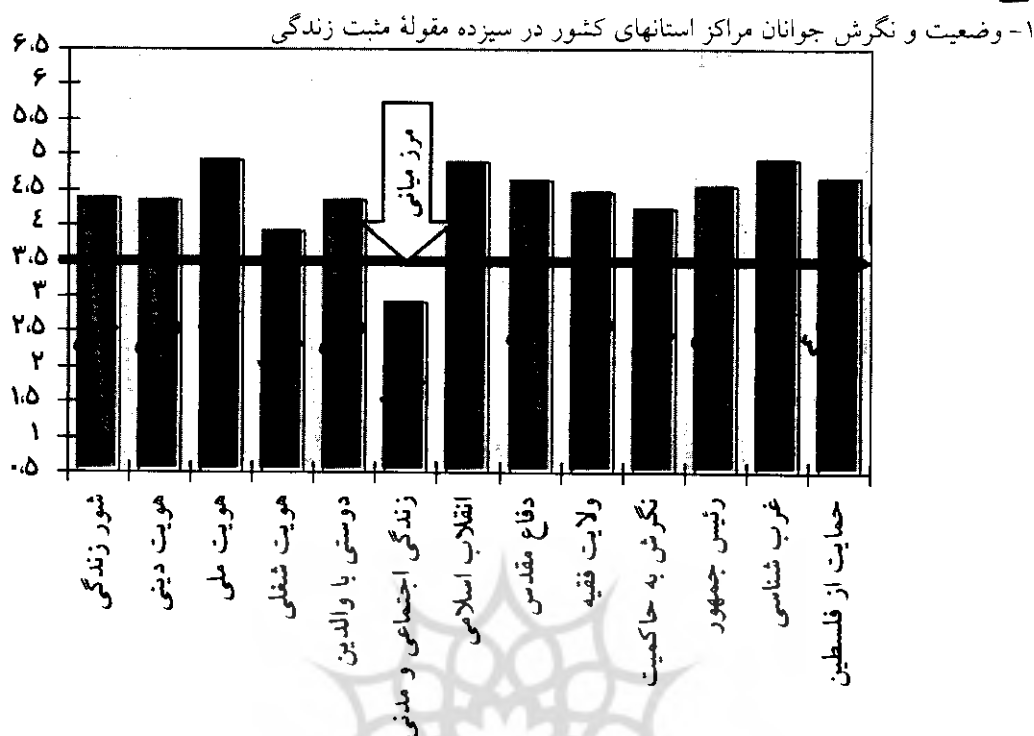
۸- تعلق دینی جوانان (شیعه، سنی، زرتشتی، مسیحی، کلیمی، سایر) نیز در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است.

۹- مقایسه جوانان تهران، اصفهان، تبریز، مشهد، شیراز، و قم با یکدیگر و با تمام مراکز استانها نیز در تحلیلهای ما مورد توجه قرار گرفته است.

۱۰- در بررسی مهمترین آرزوی جوانان در زندگی به این نتیجه رسیده‌ایم که: تصور نمی‌توان کرد در جهان کنونی به ملتی برخورد کنید که بزرگترین آرزوی ۴۳ درصد جوانان آن خدمت کردن به مردم باشد. صرف‌نظر از اینکه این آرمان انسانی و خداپسندانه در جریان دشواریهای زندگی به تدریج در میان بسیاری از این جوانان کند خواهد شد، اما وجود چنین آرمانی می‌تواند مایه امیدواری بزرگی برای کشور باشد. پس از خدمت به مردم (با ۴۳ درصد فراوانی)، پولدار شدن، ۱۹/۸ درصد؛ جهانگردی کردن، ۷/۵ درصد؛ مشهور شدن، ۷/۱ درصد؛ ازدواج کردن، ۷ درصد؛ رفتن به خارج، ۵/۲ درصد؛ قهرمان شدن، ۳/۷ درصد؛ به قدرت رسیدن، ۲/۹ درصد؛ و سایر آرزوها، ۴/۲ درصد جوانان را به خود مشغول داشته است. البته آرزوهای پسران و دختران متفاوت از یکدیگر است.

۱۱- مهمترین چهره‌های مورد علاقه جوانان از این جهت مورد بررسی قرار گرفته است که ببینیم آنان از کدام دسته از شخصیت‌های مشهور در جامعه الگوبرداری می‌کنند و چه نوع شخصیت‌هایی را از نوع آرمانی برای خود می‌بینند. یافته‌های ما حاکی از آن است که ۲۷/۵ درصد از جوانان، هنرمندان را مهمترین چهره مورد علاقه خود معرفی می‌کنند. همچنین، قهرمانان ورزشی نیز مورد علاقه ۲۶/۵ درصد از جوانان است. سومین چهره‌های مورد علاقه جوانان، دانشمندان و فرهیختگان هستند که ۲۱ درصد جوانان آنان را الگوی خود قرار می‌دهند. از گروه‌های دیگر اجتماعی، روحانیون با ۶ درصد، سیاستمداران و جهانگردان هر یک با ۳ درصد، و صاحبان صنایع و بازرگانان هر یک با ۲ درصد، مهمترین چهره‌های مورد علاقه جوانان هستند. چهره‌های مورد علاقه پسران و دختران متفاوت از یکدیگر است.

از بررسی پاسخهای جوانان به سؤالات مقیاسهای مورد مطالعه، دو نمودار مهم زیر را، که تصویری اولیه از وضعیت و نگرش و مسائل جوانان را نشان می‌دهد، ارائه می‌کنیم.



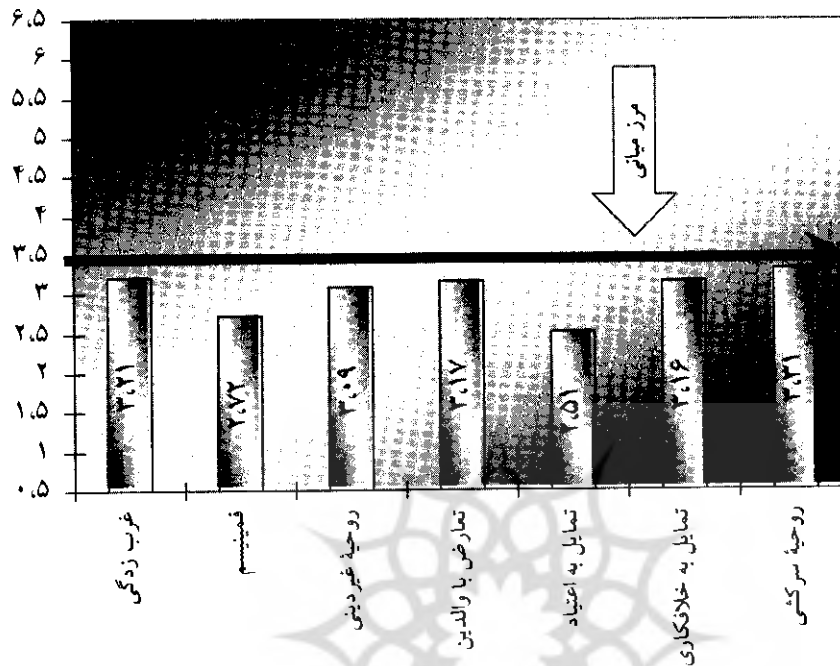
نمودار فوق خلاصه‌ای است از وضعیت و نگرش جوانان مراکز استانهای کشور به مهمترین امور زندگی فردی و اجتماعی آنان.

این نمودار در مقیاس ۶ درجه‌ای ترسیم شده است که در آن، حداقل نمره ۱ (پایین‌ترین سطح) و حداکثر نمره ۶ (بالا‌ترین سطح) است. مرز میانی مقیاس نیز در راستای نمره ۳/۵ مشخص شده است که حاکی از وضع متوسط است.

با نگاه به این نمودار می‌بینیم که جوانان، جز در دو مورد، در یازده مورد از مهمترین امور دینی و ملی و خانوادگی و نظام حکومتی و نگرشهای اسلامی و جهانی وضعیت خوبی دارند. در این نمودار شاهد هستیم که دو مشکل اصلی جوانان، در درجه اول، نارضایتی از زندگی اجتماعی و مدنی (از جمله فقر و فساد و تبعیض) است و، دوم آنکه، از لحاظ هویت شغلی نیز وضع رضایت‌بخشی ندارند.



۲- وضعیت و نگرش جوانان مراکز استانهای کشور در هفت مقوله منفی زندگی



این نمودار گویای مشکلات اساسی جوانان مراکز استانهای کشور در هفت مقوله تهدیدکننده است. درست است که در تمام این تهدیدها، وضع جوانان هنوز، بحمدالله، در سطحی پایین تر از مرز میانی است اما انتظار می رود که در نظام مردم سالاری دینی در کشور خود شاهد وضعیت بهتری باشیم. روحیه سرکشی (با میانگین ۳/۳۱)، غریب زدگی (۳/۲۱)، تعارض با والدین و بزرگسالان (۳/۱۷)، روحیه خلافکاری (۳/۱۶)، روحیه غیردینی (۳/۰۹)، تمایلات فمینیستی (۲/۷۲)، و تمایل به اعتیاد (با میانگین ۲/۵۱) در جوانان وجود دارد که هیچ مورد را نباید ساده گرفت.

به نظر ما، و حسب یافته های پژوهشی ما، بیش از هر نهاد دیگری، نظام مدرسه و آموزش عالی و دیگر نهادهای آموزشی و تربیتی و فرهنگی در کار خود ناکارآمدیهای زیادی دارند که جوانان را دچار چنین مشکلاتی می بینیم.

این دو نمودار، آشکارا نشان می‌دهد که:

- نقاط قوت جوانان، به ترتیب، در هویت ملی (با میانگین ۴/۹۲)، غرب‌شناسی (یا شناخت سیاستها و ارزشهای غربی) (۴/۹۲)، نگرش به انقلاب اسلامی (۴/۹۰)، حمایت از فلسطین (۴/۶۵)، و نگرش به دفاع مقدس (۴/۶۲) است، و

- نقاط ضعف جوانان، همان‌گونه که اشاره شد، بیش از همه در نگرش به زندگی اجتماعی و مدنی (با میانگین ۲/۹۱)، و هویت شغلی (با میانگین ۳/۹۱) است.

از این یافته‌های پژوهشی می‌توان نتیجه گرفت که باید برنامه‌هایی در سطح ملی تدوین و اجرا شود که عموم مردم، خاصه جوانان، رضایت بیشتری از زندگی اجتماعی و مدنی در کشور خود داشته باشند آموزش و پرورش و مراکز آموزش عالی کشور که مسؤولیت اصلی آموزشهای شغلی جوانان را برعهده دارند باید در تربیت شغلی و چگونگی شکل‌دادن به هویت شغلی جوانان تجدیدنظر کنند.

نگرش جوانان در مقوله‌های تهدیدکننده مورد مطالعه نشان می‌دهد که آنان در چه مسائلی مشکل دارند: اولین نکته‌ای که جلب توجه می‌کند این است که نقاط منفی جوانان در مقیاس ۶ درجه‌ای مورد مطالعه در سطحی پایین‌تر از میانگین (با حداقل ۲/۵۱ و حداکثر ۳/۳۱) است.

نکته دیگر این است که وجود این ویژگیهای منفی (روحیه سرکشی، غرب‌زدگی، تمایل به خلافتکاری، روحیه سهل‌انگارانۀ دینی، گرایشات فمینیستی، و تمایل به اعتیاد) در میان گروههایی از جوانان ما، اگرچه در سطحی پایین‌تر از میانگین قرار دارد، هشداردهنده است و باید خطر گسترش و افزایش آن را جدی گرفت. این موضوع را در فصلهای دوم و سوم به تفصیل بررسی کرده‌ایم.

در این قسمت، بررسی پاسخ جوانان به سؤالات موضوعها و خرده‌مقیاسهای پژوهش را به‌صورت فشرده، و به-ترتیب یازده موضوع پژوهشی، مورد توجه قرار می‌دهیم.

الف - خانواده

یافته‌های پژوهشی ما حاکی از آن است که اکثر نوجوانان و جوانان دارای روحیه قدرشناسی بالایی نسبت به خانواده خود هستند و عموماً هم به خانواده‌های خود وابسته‌اند و هم تعلق خاطر نیرومندی نسبت به خانواده‌های خود دارند و این، به‌رغم وجود ناآرامی در بسیاری از خانواده‌ها است.

خانواده‌های جوانان مراکز استانهای کشور، به‌رغم مشکلاتی که دارند، منبع مهمی در ایجاد آرامش و امنیت برای جوانان، به‌حساب می‌آیند. از سوی دیگر، کارکردهای خانواده بسیاری از جوانان دچار مشکلات جدی است. بر خلاف این نظر عمومی که گویا در خانواده‌های ایرانی مردسالاری است که تسلط دارد و زنان نقشی در تصمیم‌گیریهای خانواده ندارند، واقعیت این است که قدرت مادران در خانواده، آن‌قدر کم نیست که عموماً تصور

می‌شود. در عین حال، اکثر خانواده‌ها از ابهت و قدرت کافی برخوردارند و قادرند الگوی قدرت را به فرزندان خود انتقال دهند. در عین حال، یک سوم خانواده‌ها یا رفتاری مستبدانه با فرزندان خود دارند و یا بی‌تفاوت و آسانگیر هستند.

یافته‌های پژوهشی ما نشان می‌دهد که خانواده‌ها عموماً الگوهای بی‌ارائه را به جوانان ارائه می‌دهند که هم در رشد و تقویت هویت مذهبی و روح دینی و هم در رشد و تقویت هویت ملی و روح ایران‌دوستی جوانان عمیقاً تأثیرگذار است.

ب- هویت

ما در پژوهش خود جوانب گوناگون هویت جوانان را مورد مطالعه قرار داده‌ایم. از نظر هویت جنسی، متأسفانه بیش از نیمی از نوجوانان و جوانان، گرفتار فشارها و آزارهای روانی ناشی از رفتارهای جنسی خود هستند و سه چهارم از این جمعیت عظیم از نظر ارضای غریزه جنسی خود دچار مشکل هستند. از بابت هویت همسرگزینی، ۶۵ درصد جوانان ۱۸ سال به بالا در وضعیت رشدیافته و بقیه (یعنی ۳۵ درصد) در وضعیت غیررشدیافته هستند. فقدان دستیابی ۳۵ درصد جوانان ۱۸ سال به بالا به مرحله دستیابی و یا تعلق و جستجوی هویت همسرگزینی را می‌توان یکی از دلایل تأخیر سن ازدواج پسران و دختران (و زمینه‌ای برای اختلافات و جدایی بعدی در خانواده) دانست. مسلماً آموزش جوانان در این مقوله حیاتی می‌تواند نتایج مثبتی را در رفع این مشکل به بار آورد.

وضعیت هویت شغلی نیمی از جوانان بسیار نگران‌کننده است. بیشتر جوانان دچار مشکل هویت شغلی هستند. متأسفانه، اکثر جوانان (۶۸ درصد) تمایلی ندارند که در کار خود دلسوزی و جدیت داشته باشند. ۶۴ درصد از جوانان چنان دچار مشکل هویت شغلی و بدفهمی در مسأله تأمین معاش هستند که اهمیتی به درست انجام دادن کار نمی‌دهند و بدتر از همه آنکه، حتی می‌بینیم که ۴۷ درصد از جوانان اقدام به کارهای خلاف را، به دلیل مشکلات اقتصادی در جامعه، عیب نمی‌دانند. جا دارد که شیوع چنین درک و دریافتهای نادرست در بین جوانان، هشداری تلقی شود که زمینه‌ساز بسیاری از فسادهای اجتماعی است.

از نظر هویت سیاسی، ۴۱ درصد جوانان مراکز استانهای کشور مشکل هویت سیاسی دارند و، بر حسب شرایطی که پیش آید، ممکن است جهت‌گیرهای سیاسی غیرقابل پیش‌بینی پیدا کنند و به این سوی و آن سوی کشانده شوند.

نتیجه مهمی که از بررسی پاسخهای مربوط به شکل‌های مختلف هویت جوانان (خاصه جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله که انتظار می‌رود عموماً به مرحله دستیابی در جوانب مختلف هویت رسیده باشند) می‌توان گرفت، این است که مشکلات هویت‌یابی در سطح وسیعی در بین جوانان مشاهده می‌شود. اگر بخواهیم وضعیت متوسط سه جنبه مهم از هویت (یعنی هویت شغلی، سیاسی و همسرگزینی) جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله را براساس نظریه‌های روانشناسی

هویت بیان کنیم، باید بگوییم که در سه جنبه مذکور به این شرح است؛ دستیابی: ۳۲ درصد، ۳۲ درصد، و ۳۵ درصد؛ و تعلیق و توقف و اغتشاش هویت شغلی و سیاسی و همسرگزینی: به ترتیب، ۶۸ درصد، ۶۸ درصد، و ۶۵ درصد. این ارقام ضرورت بررسیهای دقیقتر برای رفع مشکلات تأخیر در شکل‌گیری هویت جوانان را آشکار می‌سازد. ما قبلاً نیز در کتاب روان‌شناسی رشد کاربردی نوجوانی و جوانی (از انتشارات سازمان ملی جوانان) فرضیه تأخیر و ناموزونی در شکل‌گیری هویت جوانان ایرانی را طرح کرده‌ایم و یافته‌های فوق نیز درستی آن فرضیه را نشان می‌دهد و اکنون جا دارد که به بررسیهای دقیقتری در این زمینه بپردازیم و آسیبهای ناشی از این تأخیرها و اغتشاشات هویت را مورد بررسیهای علمی بیشتر قرار دهیم.

از بابت هویت دینی، فقط ده درصد از جوانان هستند که از نظر هویت اعتقادی دینی دچار مشکل جدی هستند. از نظر هویت عملکردی دینی، بیست و چهار درصد از جوانان دچار مشکل هستند. چهل درصد از جوانان دارای درجاتی از روحیات سهل‌انگاری دینی هستند و آمادگی آن را دارند که گرفتار روحیات غیردینی بشوند. در این موارد می‌توان عملکردهای نسبتاً ناموفق مراکز آموزشی کشور در تفهیم درست برخی مسائل دینی، ملی و تاریخی به نوجوانان و جوانان را زیر سؤال برد.

یافته‌های دیگر پژوهش ما نشان می‌دهد که ۸۳ درصد جوانان ایران هویت دینی و ملی را لاینفک از یکدیگر می‌دانند. همچنین، احساس ایرانی بودن و هویت و روح ملی در جوانان، در مقایسه با سایر جنبه‌های هویت آنان، از نیرومندی بسیار بالایی برخوردار است. هویت جوانان ایران در دفاع از سرزمین و کشور خود در حد بسیار بالای ۸۹ تا ۹۵ درصد است و میانگین نمره‌های آنان به سطحی بالاتر از ۹۱ می‌رسد که عالیترین سطح نگرش در مجموعه یافته‌های پژوهشی ماست. همچنین، به طرز متوسط، ۸۱ درصد جوانان نگرش مثبت بسیار نیرومندی به ویژگیهای ایرانی دارند.

موضوع دیگری که در بخش هویت جوانان مورد مطالعه ما قرار گرفت، بررسی نقش آموزش و پرورش و آموزش عالی در رشد هویت جوانان است. این بررسیها نشان داد که هیچ یک از دو نهاد مذکور در این زمینه توفیقی ندارند. این موضوع بسیار مهم را، در مقاله‌ای دیگر، در آینده مورد بررسی قرار خواهیم داد.

ج- سلامت روان

در بررسی وضعیت سلامت روان جوانان مراکز استانهای کشور آشکار شد که سی و شش درصد جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله از نظر قدرت زندگی و امید به زندگی، مشکل دارند. همچنین، حدود ۲۶ درصد از جوانان دچار ضعفهای مهمی در مهارتهای لازم برای زندگی هستند، در حدود ۴۲ درصد از آنان، اعتماد به نفس و عزت نفس کافی ندارند. ۵۱ درصد جوانان دچار درجاتی از معضل روانی اضطراب هستند و ۵۴ درصد جوانان مراکز استانهای کشور دچار سطوحی از افسردگی هستند.

فقدان احساس نشاط جوانی، امیدوار نبودن برای دستیابی به هدفهای خود، امکان اقدام به خودکشی، نداشتن چیزی در زندگی برای لذت بردن، دشواری شروع هر کار، و آرزوی به دنیا نیامدن که در نگرش و اظهار نظرهای جوانان به وفور دیده می‌شود، بیانگر گستردگی افسردگی در بین آنان است و در شمار زمینه‌های اساسی ناتوانی و کندی و بی‌حالی و بی‌عملی و حتی پرخاشگری و بزهکاری و اعتیاد است. درجاتی از روحیات پرخاشگری نیز در ۵۳ درصد از جوانان وجود دارد. این ویژگی، که حاصل همانندسازی با پرخاشگران است، می‌تواند به طغیانگری نیز بینجامد.

خشم نهفته، که در سطح بسیار بالای ۵۵ درصد در میان جوانان ملاحظه می‌شود، می‌تواند زمینه ساز خصوصیت پرخاشگری منفعل و پناه آوردن به موذی‌گری و انتظار کشیدن برای ضربه‌زدن به مخالفین و موتور محرکه طغیانگری نیز باشد.

یافته‌های ما، همچنین، حاکی از وجود درجات مختلفی از روحیات ضد اجتماعی، از منفعت‌طلبی شخصی در دوستیها گرفته تا تمایل به دزدی و داشتن سوابق مجرمانه در گروههای قابل توجهی از جوانان (با میانگین درصدی ۴۰) است.

علاوه بر آنچه گفته شد، ۵۵ درصد از جوانان تمایل دارند دلایل مشکلات خود و دیگران را به عوامل بیرونی نسبت دهند. روحیه درون‌گرایی در ۶۰ درصد از جوانان بسیار قویتر از روحیه برون‌گرایی در آنان است. بنظر می‌رسد که این وضعیت مغایر با طبیعت شادمانه زندگی جوانی باشد و یا ممکن است آن را ناشی از محافظه‌کاری دیرین تاریخی در میان گروههای وسیعی از مردم بدانیم. همچنین، ۵۳ درصد از جوانان دچار از خود بیگانگی هستند. نگرش بدبینانه نیز در بین ۵۱ درصد از جوانان دیده می‌شود.

اگر سؤالات مستقیم مرتبط با اعتیادپذیری را ملاک قضاوت قرار دهیم، ۱۸ درصد و اگر ترکیبی از این سؤالات و سؤالات مربوط به ناسلامتی روان زمینه‌ساز اعتیاد را ملاک قضاوت قرار دهیم، ۲۷/۵ درصد از جوانان مراکز استانهای کشور در معرض اعتیادپذیری هستند.

مشکلات مربوط به سلامت روان، در شمار جدی‌ترین مسائل جوانان ایران است و نیازمند آن هستیم که پژوهشهای کاربردی به منظور کشف راه‌حل‌های این معضل اساسی صورت گیرد.

د- دوستان و اوقات فراغت

دوستان دوره نوجوانی و جوانی منبع ارتباطی و حمایتی (۸۷ درصد) و ایمنی بخش مهمی (۸۱/۵ درصد) برای آنان هستند اما این دوستان دوره نوجوانی و جوانی منبع برخی از نابهنجاریها نیز می‌توانند باشند.

به‌طور متوسط، ۴۲ درصد از جوانان بر سر نوع روابط با دوستانشان با والدین خود اختلاف دارند. نتیجه‌ای که از یافته‌های پژوهشی فوق می‌توان گرفت، این است که روابط غیردوستانه والدین با فرزندان و سوء تفاهم بین نسل گذشته و نسل حاضر در حدود دو پنجم از جوانان و والدینشان را دربر می‌گیرد.

مجموعاً ۳۵ درصد از جوانان مراکز استانهای کشور، تمایلات مدگرایی دارند. یافته‌های پژوهشی ما نشان می‌دهد که نیمی از جوانان از نحوه گذران اوقات فراغت خود رضایت ندارند. مسأله اوقات فراغت جوانان، خاصه در روزهای تعطیل سال، که مثلاً برای دانش‌آموزان و دانشجویان شامل «چهارماه تعطیلات تابستانی و نوروز و سایر روزهای تعطیل» می‌شود، باید مورد توجه جدی قرار گیرد.

ه - مدرسه و آموزش و پرورش

بررسی نگرش نوجوانان و جوانان در مورد مدرسه و آموزش و پرورش گویای یافته‌های مهمی است که می‌تواند در اصلاحات آموزشی و پرورشی برای بهبود وضعیت جوانان کشور مورد استفاده قرار گیرد. این یافته‌ها، از جمله، نشان می‌دهد که مجموعاً ۶۱ درصد جوانان مراکز استانهای کشور از وضعیت ساختمانها و حیاط و فضای مدارس، از زیاد بودن تعداد دانش‌آموزان در هر کلاس و از محدودیت امکانات و تجهیزات علمی و آموزشی و ورزشی مدارس که در آنها درس خوانده‌اند، ناراضی هستند. بیشترین نارضایتی جوانان، از تعداد زیاد دانش‌آموزان در هر یک از کلاسهای درسی است که به دلیل اهمیت این موضوع در تعلیم و تربیت شاگردان، باید نسبت به آن کاملاً توجه شود.

همچنین، ۴۵ درصد از جوانان از روابط اولیای مدرسه با دانش‌آموزان ناراضی هستند. مثلاً، نزدیک به نیمی از جوانان (۴۷ درصد) بر این باورند که اولیای مدارس که در آنها درس خوانده‌اند، راهنمای خوبی در زندگی تحصیلی و شغلی آنان نبوده‌اند و ۵۸ درصد جوانان معتقدند که روابط معلم و شاگرد و فضای حاکم بر کلاسهای درس همراه با سخت‌گیری و فشار بوده است.

نوجوانان و جوانان اگرچه به معلمان خود احترام می‌گذارند اما ۵۳ درصد از آنان از جوانب مختلف روش تدریس معلمان ناراضی هستند و ۶۱ درصد آنان کلاسهای درس در مدارس را خسته‌کننده و ملال‌آور می‌دانند. این سطح از نارضایتی جوانان از عملکردهای مدارس و معلمان واقعاً هشداردهنده است و می‌تواند نوجوانان و جوانان را بی‌نظم، ضدعلم، خلافکار و فرصت‌طلب بارآورد و جا دارد که نسبت به این موضوع مهم با حساسیت بیشتری برخورد شود. قاعدتاً همه مردم و خاصه نوجوانان و جوانان، از محیطهای آموزشی و تربیتی انتظارات بسیار بیشتری دارند و اگر قرار باشد که محیطهای تربیتی چنین سطحی از نارضایتی را ایجاد کنند، مسلماً نمی‌توان انتظار داشت که جوانان در محیط زندگی اجتماعی و شغلی آتی خود عملکردهای درستی داشته باشند.

مجموعاً ۵۹ درصد از جوانان نارضایتی خویش از آموزشهای مدارس خود را به شکلهای مختلف ابراز می‌دارند. این درصد بالای نارضایتی از کارکردهای مدارس واقعاً نگران‌کننده است. یک اکثریت عظیم ۷۷ درصدی از جوانان مراکز استانهای کشور اظهار می‌دارند که «یادگیریهای دانش‌آموزان در مدرسه از نوع حفظیاتی است که پس از مدت کوتاهی فراموش می‌شود» و به این طریق نشان می‌دهند که مهمترین هدف آموزش و پرورش و مدرسه و تدریس و تربیت، که همان یادگیری معنی‌دار و یادگیری برای زندگی و یادگیری برای حل مسأله است،

در مدارس ما مورد کم‌توجهی است. این بیماری سخت آموزشی است که آموزش و پرورش ما باید به درمان آن بپردازد. یافته‌های دیگر ما نشان می‌دهد که مثلاً، و با کمال تأسف، ۸۳ درصد از نوجوانان و جوانان می‌گویند که «دانش‌آموزان معمولاً درسها را برای گرفتن نمره می‌خوانند و به استفاده‌های علمی محتوای دروس فکر نمی‌کنند». در مقوله امتحانات و شیوه‌های ارزشیابی درسی نیز شاهد نارضایتی عمیق ۵۵ درصد از نوجوانان و جوانان هستیم. حتی در مقوله‌هایی چون تقویت هویت دینی و تقویت هویت ملی، نارضایتی جوانان از مدرسه در سطح ۶۵ درصد است که حاکی از عملکردهای ضعیف مدارس در این موارد است.

در یک کلام، آموزش و پرورش ما اگر بر موازین شناخته شده تعلیم و تربیت عمل می‌کرد، شاهد چنین حجم وسیعی از نارضایتیهای نوجوانان و جوانان نبودیم و به همین جهت، بیش از هر نهاد دیگری در کشور ما، نیازمند اصلاحات اساسی واقعی است.

یافته‌های دیگر ما بیانگر نارضایتی عمومی اکثر جوانان از آموزش و پرورش و ضرورت اصلاحات در چگونگی تعلیم و تربیت در مدارس است. وقتی که می‌بینیم ۸۰ درصد نوجوانان و جوانانی که خود محصول آموزش و پرورش کشور هستند، می‌گویند: «برنامه‌های آموزشی و درسی مدارس پاسخگوی نیازهای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ما نیست و باید اصلاحات اساسی در آن صورت گیرد»، آیا نباید چاره‌ای اساسی برای حل مشکلات گوناگون این نهاد عظیم فرهنگی و اجتماعی کشور جستجو کنیم؟ بنظر می‌رسد که یک شورای عالی اصلاحات در آموزش و پرورش متشکل از متخصصان برجسته تعلیم و تربیت و صاحب‌نظران فرهیخته و مجرب و شجاع، که از جانب عالیترین مسؤولان کشور حمایت شوند و اساس کار خود را بر یافته‌های محکم پژوهش علمی قرار دهند، باید مسؤولیت اصلاحات در آموزش و پرورش و مطالعه و چاره‌جویی برای رفع مشکلات این نهاد سرنوشت‌ساز در رشد و توسعه ملی را برعهده گیرد و این معضل عظیم ملی را حل و فصل نماید.

و- دانشگاه و آموزش عالی

پاسخهای دانشجویان و نیز جوانانی که از مراکز آموزش عالی کشور (اعم از دولتی و غیردولتی) فارغ‌التحصیل شده‌اند به سؤالات مربوط به دانشگاهها و آموزش عالی نکات مهمی را در مورد نگرش آنان به این نهاد مهم نشان می‌دهد. برخی از این یافته‌های پژوهشی به شرح ذیل است:

مجموعاً، نیمی از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان مراکز آموزش عالی کشور از تجهیزات و امکانات دانشگاهی راضی و نیم دیگر از آنان از این بابت ناراضی هستند.

از پاسخ جوانان دانشجویان و فارغ‌التحصیلان مراکز آموزش عالی به سؤالات مربوط به موضوعات مهم مدیریتی در آموزش عالی، می‌توان دریافت که سطح متوسط رضایت جوانان ۴۴ درصد و سطح نارضایتی آنان از مدیریت مراکز آموزش عالی ۵۶ درصد است. از این میان، اولین موردی که جلب نظر می‌کند این است که اکثریت بزرگی از

آنان (۷۴ درصد) می‌گویند که شناخت و تجربه آنان حاکی از آن است که مدیریت مراکز آموزش عالی رضایت‌بخش نیست.

در مجموع، میزان رضایت جوانان از برنامه‌های علمی و آموزشی دانشگاهها ۳۳ درصد و میزان نارضایتی آنان ۶۷ درصد است. به بیان دیگر، معدل نمره برنامه‌های علمی و آموزشی در کارنامه آموزش عالی ما برای جوانان دانشجو و فارغ‌التحصیل دانشگاهها و مراکز آموزش عالی، کمتر از ۷ نمره در یک مقیاس بیست نمره‌ای است. بالاترین سطح نارضایتی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان آموزش عالی مربوط به مبهم بودن آینده شغلی (۸ درصد) و مدرک گرایی بجای توجه به علم و تخصص واقعی (۸۸ درصد) است. چنین سطحی از عملکرد آموزش عالی (دولتی و غیر دولتی) مسلماً هشدار است برای بازنگری و بازسازی و ضرورت اصلاحات اساسی در آموزش عالی. اگر دانشگاهها و آموزش عالی مملکت همچنان دچار این مشکلات باقی بماند، چگونه می‌توانیم به تحقق برنامه‌های رشد و توسعه ملی امیدوار باشیم؟

در مقوله اصلاحات در آموزش عالی، اولاً ۶۸ درصد دانشجویان و فارغ‌التحصیلان مراکز آموزش عالی با این نظر موافقت می‌کنند که «نظام آموزش عالی کشور درک روشن و عمیقی از واقعیتهای زندگی انسان در عصر حاضر ندارد و نمی‌تواند جوانان و نخبگان را برای دستیابی به هدفهای انسانی و علمی و پژوهشی آماده کند.» ثانیاً اکثریت عظیم ۸۷ درصدی از جوانان دانشجو و فارغ‌التحصیل دانشگاهها معتقدند که «آموزش عالی کشور نیازمند اصلاحات اساسی است» و یک اکثریت بازم بزرگتر و قاطع ۸۹ درصدی نیز می‌گویند «بیشترین اصلاحات در آموزش عالی باید در نحوه مدیریت آن باشد». بنظر می‌رسد این نگرش جوانان دانشجو و فارغ‌التحصیل دانشگاهها در مراکز استانهای کشور باید جدی گرفته شود. ضرورت چنین اصلاحاتی از آنجاست که اگر دانشگاه اصلاح شود، تمام امور کشور اصلاح خواهد شد.

ز- نگرش تحصیلی و شغلی

مهارت شغلی برای جوانان، ضرورت غیرقابل انکاری در زندگی آبرومندانان آنان و برای رشد و توسعه ملی است. این مهارتها اساساً باید در مدرسه و محیط کار آموخته شود. در دوره نوجوانی و از آغاز دوره دبیرستان است که آموزشهای مدرسه باید جهت گیری مشخص شغلی پیدا کند و جوانان در جریان آموزش و کار به مهارتهای شغلی مجهز شوند. متأسفانه اکثر جوانان ما بهره‌مندی کافی از آموزشهای شغلی و مهارتهای شغلی پیدا نمی‌کنند؛ مثلاً ۷۰ درصد از جوانان اظهار می‌دارند که آموزشهایی را که دیده‌اند نمی‌توان مهارت شغلی بحساب آورد، ۴۸ درصد آنان می‌گویند دانش و اطلاعات عمومی و اختصاصی آنان با شغلی که به آن علاقه دارند تناسبی ندارد؛ تحصیلات ۳۱ درصد آنان با شغلی که به آن علاقه‌مند هستند ارتباط کافی ندارد و ۴۱ درصد از جوانانی که شاغل هستند از تخصصی که دارند در کار خود استفاده نمی‌کنند. این است آن واقعیتهای تلخی که هم مشکل گروه قابل توجهی از جوانان است و هم مانعی در راه رشد و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشور. بنظر ما، پاسخگویی به

مسأله اشتغال جوانان نه تنها مستلزم ایجاد فرصتهای شغلی برای جوانان بلکه نیازمند حل مسائلی چون آگاهی شغلی، گسترش رغبتها و شور و شوق شغلی، انتخاب صحیح شغلی، آموزش مهارتهای شغلی و تناوب معقول حرکت و رفت و بازگشت جوانان در دو محیط آموزشی و شغلی است.

در مورد انگیزشها و فعالیتهای تحصیلی نیز، ۴۲ درصد از جوانان رغبتی برای ادامه تحصیل ندارند. همچنین، ۵۹ درصد از جوانان از زندگی تحصیلی خود ناراضی هستند و بیش از نیمی از آنان در امور تحصیلی خود احساس موفقیت نکرده‌اند. علاوه بر اینها و جدا از مشکل ارتباط ناکافی آموزشهای تحصیلی با مهارتهای شغلی، بیش از نیمی از جوانان در خارج از محیط تحصیلی نیز به فعالیتهایی می‌پردازند که با شغلی که مایلند در آینده انتخاب کنند، ارتباطی ندارد.

نگرش جوانان به امر اشتغال، مجموعاً نگرش مثبتی نیست؛ از جمله آنکه ۸۵ درصد آنان بر این باورند که دستیابی به شغل، که ضروری‌ترین نیاز زندگی جوانی آنان است، فقط از طریق پارتی‌تراشی میسر است. نکته منفی دیگر این است که ۴۱ درصد جوانان نگرش مادی خود نسبت به اشتغال را آشکار می‌سازند و می‌گویند: «بهترین شغل» آن است که «بیشترین درآمد» را داشته باشد.

۴۹ درصد نارضایتی از درآمد شغلی در بین جوانان شاغل، ۴۲ درصد نارضایتی از شغل در بین جوانان شاغل و ناامیدی افزایش‌یابنده ۶۱ درصد از جوانان نسبت به پیدا کردن کار همگی حاکی از نارضایتیهای قابل توجه شغلی در بین جوانان است و ضرورت پژوهشهای کاربردی و اقدامات فراگیر ملی در این حوزه اساسی از مسائل جوانان را آشکار می‌سازد.

بیش از نیمی از جوانان معتقدند که معلمان و اساتید دوران تحصیلشان نقش مهمی در پیشرفت تحصیلی و ایجاد انگیزه مناسب شغلی آنان نداشته‌اند. بررسی برخی دیگر از پاسخهای جوانان حاکی از وجود نارضایتی نزدیک به نیمی از جوانان از عملکرد بخش دولتی در اشتغال آنان است. همچنین، ۶۵ درصد از جوانان از عملکرد شغلی کارکنان ادارات دولتی ناراضی هستند.

در مورد کارکردهای مدارس و مراکز آموزش عالی در زمینه اشتغال نیز، نظر جوانان عمدتاً منفی است و این امر ایجاب می‌کند که آموزش و پرورش و نظام آموزش عالی کشور به پژوهش جدی منصفانه و بیطرفانه در این مسأله اساسی بپردازند و شرایط ایفای نقش تاریخ‌ساز خود در آماده‌سازی شغلی جوانان و خارج کردن مدارس و دانشگاهها از بن بست رابطه ضعیف با بازار کار را فراهم آورند.

یافته‌های پژوهشی ما در مورد نگرش جوانان به رسانه‌های جمعی نشان می‌دهد که در مجموع، سه چهارم جوانان نگرش مثبتی به کلیت برنامه‌های صدا و سیما دارند اما در نگرش به برنامه‌های مشخص صدا و سیما، رضایت جوانان کمتر است. ۷۰ درصد آنان معتقدند برنامه‌های صدا و سیما در استحکام عقاید اسلامی و انقلابی و در تقویت هویت مذهبی و روح دینی آنان نقش مؤثری داشته است. همچنین، ۷۷ درصد جوانان معتقدند برنامه‌های صدا و سیما در شناساندن فرهنگ و هویت ملی و در تقویت روح ایران‌دوستی آنان نقش مؤثری داشته است. از

سوی دیگر، ۵۱ درصد جوانان معتقدند بسیاری از برنامه‌ها، خاصه فیلمها و سریالهایی که از تلویزیون پخش می‌شود، بهداشت روان جوانان را تضعیف می‌کند. آنان همچنین معتقدند که برنامه‌های صدا و سیما از تنوع و شادمانی کافی برخوردار نیست.

متأسفانه، مجموعاً ۶۶ درصد از جوانان برنامه‌های رسانه‌های خارجی و ماهواره‌ها را به برنامه‌های صدا و سیما ترجیح می‌دهند. چنین حجم وسیعی از ترجیح رسانه‌های غربی است که عامل بسیار مهمی در گرایش نوجوانان و جوانان ما به فرهنگ غرب است. راه علاج ریشه‌های چنین مشکلی هم، ممانعتها و فشارهای قانونی ضد ماهواره‌ای نیست بلکه اعتلا بخشیدن به برنامه‌های صدا و سیما و رشد و ارتقای شخصیت و اندیشه این نوجوانان و جوانان است تا به صورت طبیعی از تمایل به مشاهده برنامه‌های بی‌ارزش ماهواره‌ای اجتناب کنند.

دو سوم جوانان از نقش اطلاع‌رسانی صدا و سیما راضی هستند. در عین حال، ۴۵ درصد آنان می‌گویند که ترجیح می‌دهند برای دسترسی به اخبار و اطلاعات به رسانه‌های کشورهای دیگر روی آورند. واقعاً نگران کننده است که جوانان ایران برای دسترسی به اخبار و اطلاعات به رسانه‌های بیگانه، که عموماً دشمن انقلاب و نظام اسلامی هستند، روی بیاورند و مسائل و مصالح خودشان را به صورتی غیرواقعی از زبان دشمن بشنوند. این موضوع نیز نیازمند بررسیهای دقیقتر و چاره‌جویی جدی است.

در بررسی آن دسته از پاسخ جوانان به سؤالات مربوط به مطبوعات شاهد هستیم که ۳۹ درصد از جوانان بر این باورند که مطبوعات در جامعه ما از آزادیهای لازم برخوردار نیستند. همچنین، نزدیک به نیمی از جوانان تصور می‌کنند که به احزاب و مطبوعات باید آزادیهای بیشتری، از آنچه که فعلاً دارند، داده شود. ۷۰ درصد جوانان معتقدند که مطبوعات در کشور ما قبل از هر چیز به فکر منافع و مصالح جناحی خود هستند. همچنین، جوانانی که از مطبوعات استفاده می‌کنند، بیشترین توجهشان به صفحات و روزنامه‌های ورزشی است.

در مورد کتاب و کتابخوانی، ۴۱ درصد از جوانان مراکز استانهای کشور از کم‌رونی کتابخوانی در میان جوانان گله دارند و ۳۷ درصد آنان به کلی کتاب نمی‌خوانند. علاوه بر این، ۳۸ درصد از جوانان از امکانات و عملکرد کتابخانه‌های محیط زندگی خود راضی نیستند.

ح- حکومت و سیاست

یافته‌های پژوهشی ما نشان می‌دهد که، در مجموع، ۷۱ درصد جوانان مراکز استانهای کشور نگرش مثبتی به کلیت حاکمیت و نظام دارند و ۲۹ درصد باقیمانده چنین نگرشی ندارند. از سوی دیگر، بطور متوسط، ۶۷ درصد از جوانان از وضعیت اجتماعی و مدنی موجود ناراضی و ۳۳ درصد بقیه از این وضع راضی هستند. معنای این مطلب آن است که جامعه ما نیازمند آن است که برای بهبود رفتار و اخلاق مردم، رعایت نظم و قانون، عملکرد ادارات و کارمندان دولت، رفع تبعیض و رشوه‌گیری و پارتی‌تراشی، مبارزه با مفاسد اجتماعی و مواد مخدر و رعایت عدالت اجتماعی گامهای اساسی و بزرگی را بردارد تا این گونه نگرشهای منفی برطرف شود.

در سایر موارد مربوط به حکومت و سیاست، نگرش جوانان چنین است: ۸۰ درصد از جوانان مراکز استانهای کشور نگرش درستی نسبت به دفاع مقدس دارند. مجموعاً حدود ۴۳ درصد جوانان نگرش مثبتی به قوه قضائیه ندارند. به طور متوسط، نیمی از جوانان از عملکردهای نیروی انتظامی ناراضی هستند. ۵۱ درصد از جوانان نگرش مثبتی به مجلس و عملکردهای آن ندارند.

۸۰ درصد جوانان نگرش مثبتی به رئیس جمهور منتخب خود دارند و برخلاف نظر نسبتاً نامساعدی که به دولت داشتند، از برنامه‌ها و عملکردهای رئیس جمهور راضی هستند.

اعتقاد ۷۶ درصد از جوانان مراکز استانهای کشور به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به عنوان یکی از بهترین قانونهای اساسی دنیا، مسلماً خشنودکننده است اما متأسفانه ۸۰ درصد از جوانان اظهار می‌دارند که قانون اساسی را به درستی نخوانده‌اند و نسبت به محتوای آن آگاهی کافی ندارند. بنظر می‌رسد که آموزش قانون اساسی به دانش‌آموزان و جوانان، که خود آنان نیز عموماً به اهمیت و ارزش آن واقفند، امری ضروری است. نکته دیگر این است که نگرش ۷۵ درصد از جوانان در مورد چگونگی اجرای قانون در کشور ما، نگرش مثبتی نیست و می‌توان این نگرش منفی را در شمار مشکلات مهم کشور به حساب آورد. به بیان دیگر، این دیدگاه جوانان نیز حاکی از قانون‌گریزی در سطح بسیار وسیع در جامعه است و می‌تواند زمینه نیرومندی برای ایجاد روحیه خلاقکاری در بین جوانان باشد. کشور ما باید از میزان کمکهای خود به کشورهای اسلامی بکاهد و به نیازهای مردم بیشتر توجه کند.

اکثریت عظیم جوانان مراکز استانهای کشور (یعنی ۸۷ درصد)، مدافع انقلاب اسلامی هستند و آن را باعث کوتاه شدن دست بیگانگان از ایران، سربلندی نام ایران در جهان، و بیداری سایر ملت‌های مسلمان می‌دانند.

درک و دریافت جوانان مراکز استانهای کشور از مسائل مربوط به فلسطین اشغالی، آن گونه که از پاسخهایشان به سؤالات مربوطه برمی‌آید، مجموعاً سنجیده و واقع‌بینانه است و به طور متوسط، ۷۸ درصد جوانان حامی مبارزات مردم مسلمان و مظلوم فلسطین هستند.

آخرین مقوله مورد بررسی در موضوع حکومت و سیاست، نگرش جوانان به استکبار جهانی است که، به طور متوسط، ۷۸ درصد آنان شناخت درستی از استکبار جهانی دارند.

ط - نهادهای مذهبی

در بررسی نگرش جوانان به نهادهای مذهبی، یافته‌های پژوهشی ما نشان می‌دهد که پاسخ جوانان مراکز استانهای کشور به سؤالات مربوط به مساجد حاکی از آن است که مجموعاً ۶۸ درصد آنان نسبت به وضعیت مساجد دارای نگرش مثبت هستند و ۳۲ درصد بقیه چنین نگرشی ندارند.

حد متوسط رضایت و نارضایتی جوانان مراکز استانهای کشور از عملکرد روحانیون به گونه‌ای است که می‌توانیم بگوییم رضایت جوانان ۷۲ درصد و نارضایتی آنان ۲۸ درصد است. بالاترین ارقام نارضایتی مربوط به دو

سؤالی است که در مورد اول ۳۹ درصد جوانان بر این باورند که «میزان دنیادوستی در میان روحانیونی که می‌شناسند با موازین اسلامی همخوانی ندارد». و در مورد دوم ۲۹ درصد جوانان فکر می‌کنند «روحانیون حرفهای جدیدی برای گفتن به جوانان ندارند». توجه اساسی به هر دو مورد مذکور و تحول در این دو مسأله، خاصه مورد اول، حائز اهمیت بسیار در بهبود نگرش جوانان نسبت به روحانیون است. متوسط رضایت جوانان از عملکردهای ائمه جمعه ۷۶ درصد و متوسط نارضایتی آنان ۲۴ درصد است.

۶۰ درصد از جوانان مراکز استانهای کشور، که طبعاً گرفتار درس و کار و غفلت و سرگرمیهای خاص خود هستند، فرصت شرکت در فعالیتهای مذهبی - سیاسی را ندارند.

نظر جوانان مراکز استانهای کشور در مورد ولایت فقیه، در مجموع، حاکی از نگرش مثبت کاملاً نیرومندی است. متوسط رضایت آنان در این مورد ۷۶ درصد است. وضعیت بقیه جوانان نیز عمدتاً ناشی از نوع درک و دریافت آنان در مورد مفهوم «حاکمیت مردم» (۳۵ درصد) و «مردم سالاری دینی» (۲۴ درصد) است. در واقع ضروری است که این دو مفهوم برای جوانان کاملاً روشن شود و در برخی عملکردهایی که با عنوان جانبداری از ولایت فقیه در جامعه صورت گرفته و ذهن جوانان را ممکن است بسوی نگرش منفی سوق دهد، بازنگری شود.

روی هم رفته، ۷۹ درصد جوانان دارای نگرش مثبت و ۲۱ درصد آنان دارای نگرش منفی نسبت به عملکردهای بسیج هستند. نگرش جوانان مراکز استانهای کشور به هیأت‌های مذهبی حاکی از رضایت ۸۴ درصد و نارضایتی ۱۶ درصد آنان است. احتمالاً علت این سطح بالا از رضایت جوانان، ناشی از ویژگیهای تاریخی کهن و کاملاً مردمی و خودجوش هیأت‌های مذهبی و مشارکت دادن صادقانه نوجوانان و جوانان در فعالیتهایی است که به منظور بزرگداشت اولیای دین و بخصوص با شرکت خالصانه همگانی در سوگواری و بیان خصائل حضرت سیدالشهداء، ابا عبدالله الحسین (ع)، برگزار می‌شود.

مردم ایران و از جمله جوانان، شور و شوق بالایی در بزرگداشت و زیارت اماکن مقدسه دارند و در بررسی پاسخهای جوانان به سؤالات مربوط به این موضوع شاهد هستیم که، مجموعاً، ۸۰ درصد از جوانان مراکز استانهای کشور نگرش مثبت و ۲۰ درصد آنان نگرش غیرمثبت در این مورد دارند.

ی- جهان غرب و فرهنگ غرب

مسأله نگرش و نحوه واکنش جوانان و دیگر مردم به جهان غرب و فرهنگ غرب و عواقب ناشی از این امر یکی از حیاتی‌ترین مسائل نظام جمهوری اسلامی ایران بطور خاص و جهان اسلام و بلکه بشریت بطور عام است. از دو سه قرن پیش تا کنون زبان و آداب و رسوم و عادات و روحیات و اندیشه و سبک زندگی غربی (خاصه انگلیسی - امریکایی) بر تمام جهان سایه افکنده و خطر محو شدن تدریجی سایر فرهنگهای جهان خطری جدی است که غفلت از آن خسران عظیم دینی و ملی و انسانی است. متأسفانه گروههای معینی در جامعه ما دچار چنین غفلتی هستند و چنین است که ما در پژوهش خود به این نتیجه رسیده‌ایم که سربازان روحی و فکری دشمن در

قلب و مغز برخی از جوانان ایران رخنه کرده‌اند و نتایج همین پژوهش کنونی ما (خاصه در خرده‌مقیاسهای «غرب‌زدگی»، «گرایش به غرب»، «گرایش به جهانی شدن»، و «تمایلات فمینیستی») نیز این واقعیت تلخ را به‌خوبی نشان می‌دهد. در عین حال، یافته‌های پژوهشی ما آشکارا نشان می‌دهد که اولاً، و خوشبختانه، اکثریت جوانان در مقابل تهاجم غرب به کشور ما حساسیت تحسین‌انگیزی دارند، ثانیاً اقلیتی از جوانان مراکز استانهای کشور شناخت درستی از سیاستها و ارزشهای غربی ندارند.

جدا از این شناخت ذهنی از سیاستها و ارزشهای غربی، از پاسخهای دیگر جوانان به سؤالات مربوطه درمی‌یابیم که اولاً ۲۸ درصد آنان گرایش به غرب دارند، ثانیاً تفکر بسیاری از جوانان در مسائل مختلف مربوط به جهان غرب و فرهنگ غرب از انسجام و پختگی لازم برخوردار نیست. به بیان دیگر، گروههای قابل توجهی از جوانان مستقیم و غیرمستقیم دچار غرب‌زدگی هستند. برخی از آنان (که ۱۵ تا ۲۰ درصد جوانان را تشکیل می‌دهند) سمت و سوی باورهایشان به جهان غرب و فرهنگ غرب است و برخی دیگر (که اقلماً ۲۰ درصد را تشکیل می‌دهند) دچار اغتشاش و عدم انسجام فکری در مسائل مربوط به تهاجم فرهنگ و جهان غرب هستند. به بیان دیگر، فهم بسیاری از جوانان ما از جوامع و فرهنگ غربی، فهم پخته و رشدیافته و همه‌جانبه‌ای نیست.

از مجموع یافته‌های پژوهشی ما می‌توان نتیجه گرفت که خطر گسترش فرهنگ غربی در میان جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله مراکز استانهای کشور، که نسل پس از انقلاب نیز هستند، واقعیتی عینی است و برای رفع آن باید برنامه‌ها و محتوا و نحوه عمل آموزشی مدارس و دانشگاهها و نهادهای مختلف فرهنگی و رسانه‌های گروهی بازنگری و بازسازی شود.

نتایج آمارهای استنباطی مقایسه میانگینهای موضوعهای مورد مطالعه و نتایج آمارهای پیشرفته‌تر تحلیل رگرسیون در علت‌یابی وضعیت و نگرش و مسائل جوانان مراکز استانهای کشور در شماره بعدی فصلنامه ارائه خواهد شد.